زهد چيست؟ زاهد كيست؟(1)

(1)

زهد كه يكى از فضايل اخلاقى است و مورد تشويق و ترغيب روايات اهل بيت(عليهم‏السلام) است، اين است كه انسان با اين كه طبعاً به چيزى ميل و رغبت دارد، به خاطر داشتن فكر و هدف بالاتر، از آن چيز صرف نظر كند و در فكر تأمين هدف بالاتر باشد. يعنى انسان در عين اين كه قدرت و امكان آن را دارد كه لباس خوب بپوشد و غذاى لذيذ بخورد و در مسكن عالى بنشيند و بر مركب گران قيمت سوار شود، اما براى اين كه مسؤوليت خود را بهتر انجام بدهد و با مردم مستمند و دردمند همدردى و همرنگى داشته باشد و خشنودى پروردگار را به اين وسيله جلب كند، از همه اينها صرف‏نظر كند و امكانات خود را در راه رفاه مستمندان و تأمين زندگى محتاجان صرف نمايد و خود با زندگى ساده بسازد و از تنعم و تجمل و لذّت گرايى پرهيز كند.

بنابراين زهد كه اين همه مورد تشويق احاديث اسلامى است و يكى از فضايل مهم انسانى است، بر دو پايه استوار است:

1- كيفيت روحى، يعنى با اين كه به چيزى طبعاً ميل دارد و مورد علاقه قلبى اوست و فراهم كردن آن نيز براى او ممكن است، ولى بخاطر تأمين هدف بالاتر كه هدف الهى و معنوى است، توجه خود را از آن چيز برمى‏دارد و به جانب آن هدف والا توجه مى‏كند.

2- در زندگى عملى خود، ساده زيستى و قناعت را پيشه خود مى‏سازد و از تنعم و تجمل و لذت‏گرايى پرهيز مى‏نمايد.

تفاوت زهد در اسلام كه مورد تشويق است و رهبانيت كه مذموم است، اين است كه رهبانيت يعنى بريدن از مردم و روآوردن به گوشه‏گيرى به خاطر اين كه دنيا و آخرت (از نظر راهب) سازگارى ندارند. ولى زهد در اسلام، اين است كه انسان نه تنها به مسائل اجتماعى و اقتصادى و سياسى كه مسائل زندگى انسانهاست پشت نمى‏كند، بلكه دخالت در آنها را لازم مى‏داند، اما به واسطه فكر و هدف مهمتر و والاتر، از آن چه مورد رغبت و موجب لذت اوست، چشم مى‏پوشد و براى خود زندگى ساده و بى تكلف را انتخاب مى‏كند تا اين كه بهتر از عهده مسؤوليت و تعهد در مسائل اجتماعى و سياسى و اقتصادى برآيد. و در نتيجه، فرق بين زاهد و راهب با اين كه هر دو از تنعم و لذت گرايى مى‏گريزند، اين است كه راهب از تعهد و مسؤوليت اجتماعى نيز مى‏گريزد و به صومعه و دامن كوه پناه مى‏برد و از مردم مى‏بُرد ولى زاهد به مردم روى مى‏آورد و جامعه و ملاكهاى آن و تعهد اجتماعى را محترم مى‏شمارد و تجمّل و لذت گرايى را ترك مى‏كند و خدمت به مردم و انجام مسؤوليت خود را عبادت مى‏داند. زاهد در حقيقت بر خود تنگ مى‏گيرد تا ديگران را براى جلب خشنودى خدا به آسايش برساند؛ زيرا قلب حساس و دل دردآشناى او هميشه در فكر دردمندان ومحتاجان است و شادمانى او در اين است كه خارى را از سر راهى بردارد و دست بر سر يتيمى بكشد و بازوى ناتوانى را بگيرد و دل‏شكسته‏اى را شاد كند.

زهد حضرت فاطمه زهرا(عليهاالسلام) و گفتار پيغمبر(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله)

حضرت رسول اكرم(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) وارد خانه دختر عزيزش حضرت زهرا(عليهاالسلام) شد، دستبندى از نقره در دست زهرا(عليهاالسلام) و پرده‏اى بر در اتاق ايشان ديد. اين جريان را - با توجه به وضع جامعه آن روز - براى زهرا(عليهاالسلام) نپسنديد. زهراى مرضيه(عليهاالسلام) بلافاصله پرده و دستبند را توسط قاصدى خدمت رسول اكرم(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) ارسال داشت كه به مصرف نيازمندان برساند. چهره حضرت رسول اكرم(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) از اين كه او زهد خود را آشكار كرد و ديگران را بر خود مقدم داشت، شكفته شد و فرمود: «فداها ابوها»؛ پدرش فداى او باد.

ايثار يكى از نتايج و ثمرات زهد است:

يكى از ثمرات زهد، ايثار است، ايثار يعنى ديگران را بر خود مقدم داشتن و خود را براى آسايش ديگران به رنج افكندن. زاهد از آن جهت ساده و بى تكلف و در كمال قناعت زندگى مى‏كند و بر خود تنگ مى‏گيرد كه ديگران را به آسايش برساند. ايثار از پرشكوه‏ترين مظاهر و جلال انسانيت است و تنها انسانهاى بسيار بزرگ، به اين قله شامخ صعود مى‏كنند. ما در تاريخ زندگى حضرت رسول اكرم(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) و حضرت صديقه كبرى‏(عليهاالسلام) و ائمه اطهار(عليهم‏السلام) به مواردى از ايثار برخورد مى‏كنيم كه ديدگان روح ما در برابر شكوه معنوى و تحسين برانگيز آن خيره مى‏شود.

ايثار خاندان رسالت و نزول سوره «هل اتى»

قرآن كريم داستان ايثار حضرت اميرمؤمنان(عليه‏السلام) و خاندان گرامى‏اش را در آيات پرشكوه خود در سوره «هل‏اتى» منعكس كرده است. على و زهرا و فرزندانش(عليهم‏السلام) آنچه در امكان داشتند كه جز چند قرص نان نبود، با كمال نيازى كه بدان داشتند، تنها و تنها به خاطر رضاى حق، سه روز پشت سر هم، به مسكين و يتيم و اسير بخشيدند و خود با آب افطار كردند و اين داستان در ملأ اعلى بازگو شد و آيات قرآن درباره‏اش نازل گشت. شعار «الجار ثم الدار» يعنى اول همسايه، بعد از آن خانه، رسم جارى اين خاندان است و اين صديقه كبرى‏(عليهاالسلام) است كه در شب زفاف پيراهن نو را از تن خود درمى‏آورد و به سائل مى‏دهد و خود همان پيراهن كهنه را بر تن مى‏پوشد.

خير و حكمت و سلامت و حلاوت ايمان همه و همه در سايه زهد است.

زهد كه در فارسى از آن به ساده زيستى تعبير مى‏كنيم، چنان كه گفتيم به اين معناست كه انسان از چيزى كه مورد رغبت و ميل اوست (خانه خوب، غذاى خوب، مركب و...)، بخاطر هدف الهى و معنوى صرف نظر كند و به زندگى ساده قناعت نمايد و از تجمل و لذت گرايى پرهيز كند و با مستمندان و محرومان در وضع زندگى همدردى و همراهى نمايد. اين معنا مرتبه بالايى از كمال انسان و براى افراد كامل لذت‏بخش است و داراى فضيلت و آثار زيادى است.

حضرت صادق(عليه‏السلام) فرمودند: «هنگامى كه خداوند اراده كند كه براى بنده‏اى از بندگانش خير و صلاح پيش بياورد، به او توفيق زهد عنايت مى‏كند و او را در احكام دين فقيه و بينا مى‏گرداند و عيب‏هاى دنيا را به او مى‏شناساند و كسى كه داراى اين اوصاف باشد، خير دنيا و آخرت به او داده شده است.»(2)

و نيز آن حضرت فرمودند: «كسى كه در زندگى دنيا زهد را پيشه خود سازد، خداوند حكمت و علم را در دل او ثابت و برقرار مى‏كند و زبانش را به گفتن كلام حكمت‏آميز گويا مى‏گرداند و او را به شناخت عيب‏هاى دنيا و دردها و دواهاى دنيا بصير مى‏نمايد و او را با وصف سلامت و پاكى از دنيا خارج و به بهشت منتقل مى‏كند.»(3)

و نيز حضرتش فرمود: «تمام نيكى‏ها در يك خانه قرار داده شده و زهد در دنيا كليد آن خانه است.»(4)

و باز فرمود: «تا زهد در دنيا در دلهاى شما قرار نگيرد، حرام است بر آن دلها كه حلاوت ايمان را بشناسند و بچشند.»(5)

حضرت رسول اكرم(صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله) فرمودند: «خداوند به حضرت موسى(عليه‏السلام) فرمودند: «زهد زينت بخش‏ترين و كاملترين زينت در نزد من است كه هيچ كس نتوانسته است خود را به زينتى بهتر از آن بيارايد.»(6)

ادامه دارد...

پى نوشت:

1) برگرفته از كتاب «اسلام مجسم»، اثر آيت‏اللَّه نورى همدانى.

2) بحارالانوار، ج 77، ص 80.

3) همان، ج 73، ص 48.

4) سفينة البحار، ج 3، ط ج، ص 547.

5) بحارالانوار، ج 73، ص 55.

6) سفينةالبحار، ج 3، ط ج، ص 548.